

A Comparative Study of the Theory of Social Justice in the Thought of Imam Sajjad (AS) (Based on Sahifa Sajjadiya) and John Rawls

1. Forouzan. Norouzi Nejad
2. Hossein. Rahmani Tirkalai*
3. Seyed Hassan. Qourishi Karin
4. Ali. Parimi

1. PhD student, Department of History, Payame Noor University, Tehran, Iran
2. Associate Professor, Department of Islamic Studies, Payame Noor University, Tehran, Iran
3. Assistant Professor, Department of History, Payame Noor University, Tehran, Iran
4. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Payame Noor University, Tehran, Iran

Email: rahmanitirkalai1391@pnu.ac.ir Received: 07.01.2024 Acceptance: 17.03.2023

*Journal of
Socio-political studies of Iran's
contemporary history*

eISSN: 2821-1294
<http://journalspsich.com>
Vol. 2, No 4, Pp: 222-236
Winter 2023

Original research article

How to Cite This Article:

Norouzi Nejad, F., Rahmani Tirkalai, H., Qourishi Karin, S. H., & Parimi, A. (2023). A Comparative Study of the Theory of Social Justice in the Thought of Imam Sajjad (AS) (Based on Sahifa Sajjadiya) and John Rawls, *spsich*, 2(4): 222-236.



© 2023 by the authors. License Iran-Mehr: The Institute for Social Study and Research, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

Abstract

One of the most important social issues in society is social justice, which the Shiite Imams have strived to manifest both practically and theoretically. Imam Sajjad (AS), in various prayers found in Sahifa Sajjadiya, places significant emphasis on this issue. The main objective of this article is to conduct a comparative analysis of the theory of social justice in the two intellectual frameworks of Imam Sajjad (AS) and John Rawls. To achieve this goal, the method of comparative analysis has been employed. In this study, the principles and concepts of social justice in the examined thoughts are analyzed and compared. The findings of this research indicate that Imam Sajjad (AS) and John Rawls have different perspectives and approaches regarding social justice. In the thought of Imam Sajjad (AS), social justice is founded on religious principles and theism, with an emphasis on the fair distribution of wealth, elimination of discrimination, and valuing the realization of social ethics. On the other hand, John Rawls defines justice as an agreement among individuals with diverse viewpoints, emphasizing the preservation of

fundamental rights of each individual and the fair distribution of wealth based on social agreements.

Keywords: Imam Sajjad (AS), John Rawls, social justice, social ethics, wealth distribution.

بررسی تطبیقی نظریه عدالت اجتماعی در اندیشه امام سجاد(ع) (باتکیه بر صحیفه سجادیه) و جان راولز

فروزان نوروزی نژاد^۱
حسین رحمانی تیرکلانی^{۲*}
سید حسن قریشی^۳
علی پریمی^۴

۱. دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. دانشیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۳. استادیار، گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۴. استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۷ | پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷ | ایمیل نویسنده مسئول: rahmanitirkalai1391@pnu.ac.ir

چکیده

یکی از مهم‌ترین موضوعات اجتماعی در جامعه، عدالت اجتماعی است که ائمه شیعه در تبلور آن در ساحت عملی و نظری تلاش بسیاری نموده‌اند، امام سجاد(ع) در فرازهای دعای متعدد خود که در صحیفه سجادیه آمده به این مسأله تأکید فراوان دارد. هدف اصلی این مقاله به بررسی تطبیقی نظریه عدالت اجتماعی در دو منظومه اندیشه‌ای، یعنی اندیشه امام سجاد(ع) و جان راولز می‌پردازد. برای دستیابی به این هدف، روش تحلیل مقایسه‌ای مورد استفاده قرار گرفته است. در این تحقیق، اصول و مفاهیم عدالت اجتماعی در اندیشه‌های مورد مطالعه مورد تحلیل و مقایسه قرار گرفته است. نتایج بدست آمده از این تحقیق نشان می‌دهند که امام سجاد(ع) و جان راولز دیدگاه‌ها و رویکردهای

فصلنامه علمی مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران

شاپا (الکترونیکی): ۲۸۲۱-۱۲۹۴
<http://journalspsich.com>
دوره ۲ | شماره ۴ | صص ۲۲۶-۲۲۲
زمستان ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید

درون متن

(نوروزی نژاد و همکاران، ۱۴۰۲)

در فهرست منابع

نوروزی نژاد، فروزان، رحمانی تیرکلانی، حسین، قریشی، سید حسن، و پریمی، علی. (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی نظریه عدالت اجتماعی در اندیشه امام سجاد(ع) (باتکیه بر صحیفه سجادیه) و جان راولز. مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران، ۲(۴): ۲۲۶-۲۲۲.

متفاوتی درباره عدالت اجتماعی دارند. در اندیشه امام سجاد(ع)، عدالت اجتماعی بر پایه اصول دینی و خداشناسی بنا نهاده می‌شود و تأکید بر توزیع منصفانه ثروت، رفع تبعیض، ارزش قائل‌ی به تحقق اخلاق اجتماعی است. از سوی دیگر، جان راولز به عدالت به‌عنوان توافقی بین افراد با دیدگاه‌های مختلف تعریف می‌دهد و تأکید بر حفظ حقوق اساسی هر فرد و توزیع منصفانه ثروت براساس و توافقی‌های اجتماعی دارد.

کلیدواژه‌ها: امام سجاد(ع)، جان راولز، عدالت اجتماعی، اخلاق اجتماعی، توزیع ثروت.

مقدمه و بیان مسئله

عدالت اجتماعی یکی از مفاهیم پیچیده و مهم در حقوق بین‌الملل و فلسفه اجتماعی است. در این مفهوم، به معیارهای عدالت و توزیع منصفانه منافع در جامعه توجه می‌شود. بحث درباره عدالت اجتماعی از قدیم الایام تاکنون در میان نظریه پردازان، فلاسفه و علمای اجتماعی مورد بحث و تأمل قرار گرفته است. در دوره معاصر در غرب نظریه عدالت اجتماعی راولز نیز معروف‌ترین دیدگاه حاکم در عرصه اجتماعی و سیاسی است. راولز عدالت را به عنوان برترین فضیلت اجتماعی در اصول عدالت پیشنهادی مطرح می‌کند. بررسی نظریه عدالت اجتماعی امام سجاد (ع) و مقایسه آن با اندیشمندان معاصر از جمله جان رالز، اهمیت ویژه‌ای دارد. امام سجاد (ع) به عنوان یکی از شخصیت‌های بزرگ تاریخ اسلام، با آموزه‌های خود درباره عدالت اجتماعی، به عنوان یکی از منابع اسلامی مهم در این حوزه شناخته می‌شود. از سوی دیگر، جان راولز با تألیف کتاب "عدالت مثابه انصاف" به عنوان یکی از مبانی نظریه عدالت اجتماعی معاصر شناخته می‌شود. بررسی تطبیقی نظریه عدالت اجتماعی در اندیشه‌های امام سجاد (ع) و جان راولز می‌تواند نقاط قوت و ضعف، تفاوت‌ها و تمایزهای موجود در دیدگاه‌های آن‌ها را برجسته کند و همچنین نقاط همبستگی و تناسبی که ممکن است بین این دو نظریه وجود داشته باشد را بررسی نماید. در این پژوهش، به بررسی تطبیقی نظریه عدالت اجتماعی در اندیشه‌های امام سجاد (ع) و جان راولز خواهیم پرداخت. بررسی ابعاد مختلف عدالت اجتماعی در دو دیدگاه و تحلیل نظریات مختلف در این زمینه، می‌تواند به ما کمک کند تا به مفهوم عدالت اجتماعی به طور کامل‌تری بپردازیم و راهبردهای عملی برای تحقق آن را بهتر درک کنیم. مسئله اصلی مورد بررسی در این پژوهش، پویایی و تحولاتی است که در نظریه عدالت اجتماعی با تأکید بر دیدگاه‌های راولز و آموزه‌های امام سجاد (ع) طراحی و بررسی می‌شود. این پژوهش تلاش می‌کند تا با پویایی‌های نظری و عملی درک ژرفی از مبانی فلسفی و اخلاقی تئوری عدالت اجتماعی ارائه دهد و به دنبال یافتن نقاط همگرایی و تفاوت‌های احتمالی در دیدگاه‌های این دو منبع بزرگ باشد.

پیشینه تحقیق

در مورد پیشینه تحقیق باید اذعان نمود، اگرچه پژوهش‌های در زمینه صحیفه سجادیه امام سجاد(ع) و نظریه عدالت اجتماعی جان راولز به طور جداگانه کار شده است، اما تاکنون هیچ پژوهش مستقلی با عنوان بررسی تطبیقی نظریه عدالت اجتماعی در اندیشه‌های امام سجاد(ع) (برتکیه بر صحیفه سجادیه) و جان راولز یافت نشد است. از این رو این پژوهش از جهت مستقل بودن جنبه نوآوری دارد. اما می‌توانیم به موارد زیر هم اشاره کنیم. بررسی تطبیقی نظریه عدالت اجتماعی در اسلام و غرب از یحیی فوزی و روح الله مرادی (۱۳۸۹) که مقایسه‌ای میان نظریه عدالت در اندیشه‌های امام

خمینی و جان رالز انجام داده است. بررسی تطبیقی نظریه عدالت اجتماعی از جان راولز و استاد مطهری از زهرارسولی و جهانگیرمسعودی در همایش بین الملل عدالت و اخلاق در مکتب اهل بیت سال ۹۶ چاپ شده است که در این مقاله نظریه عدالت اجتماعی را از دیدگاه این دو اندیشمند معاصر رامورد بررسی قرار داده است.

سعی می‌شود در هدف اصلی از انجام این پژوهش، به سوالات زیر پاسخ داده شود:

- چه مفاهیم و اصولی در نظریه عدالت اجتماعی امام سجاد (ع) مطرح می‌شود؟
- در نظریه جان رالز، عدالت اجتماعی بر چه اصولی تأسیس می‌شود؟
- آیا امکان وجود انطباقات و تناسباتی بین دیدگاه‌های امام سجاد (ع) و جان راولز درباره عدالت اجتماعی وجود دارد؟

پاسخ به این سوالات، پژوهشی دقیق و جامع درباره تطبیق دو نظریه عدالت اجتماعی می‌توان ارائه داد و به بررسی مفاهیم و اصولی که هر یک از این دو دیدگاه برای تحقق عدالت اجتماعی مطرح می‌کند، پرداخت.

معنا و مفهوم عدالت اجتماعی

عدالت مفهومی است که بشر از آغاز تاریخ با آن آشنا بوده است. عدالت ضمن محبوبیت فراوانی که در نزد اندیشمندان و مردم جوامع مختلف در بردارد، در تعریف و تبیین آن برداشت‌های متفاوتی وجود دارد. باین حال جامعه‌ای نمی‌توانیم پیدا کنیم که نسبت به عدالت بی تفاوت باشد. طوری که ویل دورانت ریشه تخریب تمدن‌ها و انحطاط را بی‌عدالتی و تبعیض می‌داند و می‌گوید: «تمدن را نمی‌شود با غلبه و فتح از میان برد، تمدن از درون تخریب می‌شود، مدنیت در جامعه با رعایت تساوی حقوق انسانی شکوفا می‌شود و تبعیض ریشه آن را می‌خشکاند و از بین می‌برد، سلامت ملل خیلی مهم‌تر از ثروت ملل است» (ویل دورانت، ۱۳۷۸: ۴).

معانی عدالت: عدالت در زبان فارسی به معنای انصاف داشتن و داد کردن است (معین ۱۳۸۶: ۲۲۷۹). در زبان انگلیسی، به معنای تساوی، برابری، مثل و مانند است (فرهنگ لانگمن، ۲۰۰۰: ۷۶۷). در دیدگاه امام علی (ع) عدالت تدبیر عمومی مردم است، درحالی که بخشش مختص به گروه خاصی است، پس عدالت شریف‌تر و برترتر است (سیدرضی، ۱۳۸۴: ۷۳۵). تعریف ارسطو راجع به عدالت، با توجه به بحث فضیلت، به مفهوم حد میانه روی می‌آورد و بنیان عدالت را در هر چیزی رعایت میانه‌روی می‌داند (عالم، ۱۳۷۶: ۱۳۵). نظر ارسطو عدالت: تقوایی است طلق کامل، زیرا عمل به آن، عمل به فضیلت تمام است (ارسطو، ۱۳۶۴: ۱۲۶). افلاطون نیز در کتاب معروفش جمهوریت از عدالت سخن گفته «به نظر او عدالت آرمانی است که تنها با تربیت یافتگان فلسفه به آن دسترسی دارند و به

یاری حس و تجربه نمی‌توان به آن رسید. عدالت اجتماعی در صورتی برقرار می‌شود که هر کس به کاری دست زند که استعداد، شایستگی و توانمندی آن را دارد و از مداخله در کار دیگران بپرهیزد» (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۲). جان ریمر در موضوع عدالت توزیعی، کتاب برابری فرصت را نوشت که، و پشتوانه فکری کتاب برابری فرصت نوشته های سه فیلسوف بود و معتقد است «هم سطح کردن عرصه لازمه این است که کمبودهای کسانی که را که سبدهای پست تری از منابع درونی برخوردارند با یک پیمانه اضافی از منابع بیرونی جبران کنیم» (ریمر، ۱۳۸۲: ۲۱).

حوزه مطالعات اسلامی تعارضاتی در مفهوم عدالت بین شیعه و اهل سنت وجود دارد. اهل سنت غالباً عدالت را منحصر در امور اخلاقی و ویژگی‌های شخصی قرار می‌دهند، شیعه با نگرش به عدالت به عنوان یکی از اساسی ترین، آن را در تمام شئون زندگی فرد و خصوصاً زندگی اجتماعی قلمداد می‌کند. به عنوان مثال اشاعره هر چیزی آن جهت عدل است که فعل خدا است و چون به عقیده اشاعره هیچ فعلی در ذات خود نه عدل است و نه ظلم و به علاوه، هیچ فاعلی غیر از خدا وجود ندارد، پس ظلم مفهوم ندارد (مطهری، بی تا، ۴۷). اما برخلاف این فرق، شیعیان به حسن و قبح ذاتی امور اعتقاد دارند که عقل انسان نیز توانایی درک حسن یا قبیح بودن امور و همچنین عادلانه یا ظالمانه بودن آنها را دارد (جمشیدی: ۱۳۸۰: ۲۱۷، ۲۱۴). همین اندیشه ها بوده است که شیعه را در طول تاریخ جریانی ضد ظلم و پیش‌تاز عدالت قرار داده است.

مفهوم عدالت اجتماعی: امام خمینی (ره) با پیروی از بزرگان ائمه اطهار (ع) سعی در گسترش عدالت در جامعه داشته و هدف نهضت های اجتماعی و رسالت پیامبران تحقق عدالت اجتماعی مطرح می‌کند (امام خمینی ۱۳۶۹: ۲۱، ۱۸۷). عدالت اجتماعی؛ یعنی عدالت در شایع اجتماع، اعم از حوزه مسایل سیاسی، اقتصادی... این نوع عدالت در قلمرو اختیارات و فعالیت های حکومت قرار می‌گیرد و منظور آن است که نسبت به انصاف عمل شود و به کسی ستم نشود (حسینی دشتی، ۱۳۸۵: ۴).

عدالت اجتماعی به معنای توزیع منصفانه منافع، حقوق، و فرصت‌ها در جامعه است. آن یک مفهوم از همبستگی و تعادل اجتماعی است که به تلاش برای تقسیم منافع به عدالت بین افراد و گروه‌های مختلف در مجتمع می‌پردازد.

مبانی عدالت اجتماعی در اندیشه امام سجاد (ع)

جریان‌های سیاسی که پس از جانشینی پیامبر اکرم (ص) پیش آمد به نفع اهل بیت پیامبر اکرم (ص) نبود. پس از شهادت امام علی (ع) معاویه توانسته بود امام مجتبی (ع) امام دوم شیعیان را به صلح تحمیلی بکشد و بعد از قدرت گرفتن بنی امیه و شهادت امام حسین (ع) جامعه اسلامی رنگ و بوی جامعه جاهلی به خود گرفت و کمتر اثری از تربیت عمیق اسلامی در این دوره مشهود بود

(شهیدی، ۱۳۷۱: ۴۰). مسعودی هم درباره این دوران می‌نویسد: «علی بن الحسین امامت را با تقیه‌ی شدید و به طور پنهانی و با دشواری برعهده گرفت» (مسعودی، ۱۳۶۲: ۱۶۸). امام سجاد(ع) بعد از شهادت پدر بزرگوارش، نه تنها مرجع فقهی شیعیان بود، بلکه فقه‌های عامه هم در بسیاری از مسائل به ایشان مراجعه می‌کردند، یکی از این افراد زهری است (واقدی، ۱۳۷۴: ۵، ۱۵۸). یکی از تاریک‌ترین ادوار حکومت در تاریخ اسلام مصادف بود. با توجه به شرایط سیاسی حاکم بر این دوره امام سجاد(ع) با زبان دعا توانسته بود که به ابعاد مختلفی از جمله بحث عدالت، توحید... توجه نشان داده است. در شرایطی که جامعه دچار انحراف و رفاه‌طلبی و دنیازدگی شده توانست دعا را به عنوان راهی برای بخشی از عقاید خود استفاده کند. از الگوی برجسته امام سجاد(ع) در اعمال اجتماعی بحث اخلاص است به خصوص اخلاص آن در رسیدگی به فقرا و مستمندان و تامین زندگی نیازمندان و مایحتاج آنان بوده است (دعائی، ۱۳۸۰: ۳۵۰).

شخصیت امام سجاد (ع) در تاریخ اسلام به عنوان یکی از شخصیت‌های بزرگ و الگوی اخلاقی و دینی شناخته می‌شود. ایشان با تلاش‌های خود در زمینه عبادت، آموزش، خدمت به محرومان و مقاومت در برابر ستم و ظلم، نمونه‌ای برای مسلمانان و مردم جهان است. امام سجاد (ع) با وجود محدودیت‌ها و سختی‌هایی که داشتند، توانستند به عنوان یک رهنما و نمادی از صبر، تواضع و ایمان عمل کنند و برای نجات اسلام و انسانیت تلاش کند در مجموع، آموزه‌های امام سجاد (ع) درباره عدالت اجتماعی بر پایه ارزش‌های انسانی، مبارزه با ستم و استثمار، توزیع منصفانه ثروت، حقوق مستضعفان و اصلاح اجتماعی تأکید داشتند. ایشان به عنوان یک رهبر دینی، تلاش می‌کردند تا افراد را به توجه به حقوق دیگران، توزیع منصفانه منافع اجتماعی و اصلاح خود و جامعه تشویق کنند. این آموزه‌ها و مناظرات امام سجاد (ع) تا به امروز به عنوان مرجعی برای بررسی مسائل عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی و جهان اسلام مطرح هستند. امام سجاد (ع) به توازن در برخورد با دیگران، احترام به حقوق همه افراد جامعه، و توجه به نیازها و حقوق گروه‌های ضعیف‌تر، به عنوان مبانی عدالت اجتماعی اشاره می‌کند.

مفهوم عدالت اجتماعی در اندیشه جان راولز

راولز از لحاظ سنت فلسفی، تحت تاثیر کانت بود، و کوشیده تا از دیدگاه کانت، یکی از مهم‌ترین مسائل فلسفه سیاسی، یعنی عدالت راحل کند (بشریه، ۱۳۸۷: ۱۱۴). یکی از اندیشمندان مهم و تاثیرگذار در باب نظریه عدالت محسوب می‌شود. جان راولز از اندیشمندانی است که در قالب مکتب لیبرالیسم اندیشیده است، به دنبال تقویت کننده این مکتب بوده است. راولز به این نتیجه رسیده بود که در نظم و نظام سیاسی و اجتماعی غربی نیاز به بازبینی در منظم کردن اصول و حتی محتوای آن دارد تا در میان طرفداران موردپذیرش منطقی واقع شود و جوابی برای نقدکننده گان آن باشد.

تا قبل از راولز، لیبرالیسم مکتبی بود که مبنا و اصل در سودمندی و لذت برای افراد جامعه می‌دانست و عدالت را در درجه‌ای پایین‌تر نسبت به این دو قرار می‌داد. عدالت حداکثر در توزیع یا بازتوزیع سود و لذت کاربرد داشته است نه اینکه مبنایی برای سایر اصول اساسی جامعه باشد، اما راولز به مهلکه‌ها و نقص‌ها حاصل از این نگرش پی‌برد و با طرح مطالبی سعی در حل این مساله را داشت. راولز با قرار گرفتن در سنت کانتی در این راه گام برمی‌دارد. سنت کانتی که عدالت و سیاست را نه در قالب لذت، سود و بهره‌مندی، بلکه زیرمجموعه اخلاق قرار می‌دهد. با بحث گذاشتن توافق انسانها درباره اصول عدالت در حوزه‌ای که آن‌را پرده جهل می‌نامد، در دسته نظریه پردازان قرارداد اجتماعی قرار گرفت. مباحث او درباره عدالت به طور کلی معطوف به ساخت جامعه در نهادهای تشکیل‌دهنده آن است. معنای "عدالت به مثابه انصاف" که جوهر نظریه عدالت راولز است بدین صورت است که: عدالت به نتایج تصمیم‌گیری منصفانه و انصاف به روش اخلاقی رسیدن به اصول عدالت مربوط می‌شود (بشریه، ۱۳۸۷: ۱۱۷).

راولز تلاش کرده است که عدالت را به عنوان مفهومی قراردادی مطرح نماید و آن را به عنوان یک فضیلت اخلاقی فراتر از قرارداد مطرح سازد. نیاز به مبنایی برای فضیلت اخلاقی بیابید که به ابزار تحلیلی وضعیت فرضی تحت عنوان پرده جهل پی‌برد که آن شرایطی است که انسانها در پس پرده جهل نسبت به کمبودها خود و امتیازات بدون توجه به منافع تصمیم می‌گیرند. به گفته او انسانها با توجه به منافع خود و نه از روی اضطرار برای حفظ منافع، آن شرایط به شکل بی طرفانه اصولی را وضع می‌کنند. که آن اصول را می‌توان اصول عدالت نامید. او تبیین اصول عدالت را در شرایط بی طرفانه را امری معقول می‌داند اما عقلی فراتر از عقل ابزاری و در نتیجه یک فضیلت اخلاقی به نام انصاف در وجود آدمی وجود دارد؛ اوبا تاثیرپذیری از کانت معتقد است که انسان داری فضایل اخلاقی است که آن فضایل زمینه ساز گرایش به اصول بی طرفانه، یعنی اصول عدالت است.

محتوای نظریات راولز در باب عدالت و عدالت اجتماعی

اصول اولیه عدالت راولز:

راولز عدالت را نخست به عنوان فضیلت اجتماعی قلمداد می‌کند و آن را در اصول عدالت اجتماعی قرار می‌دهد. استدلال می‌کند هر ساختار یا رابطه‌ای در جامعه وجود دارد می‌بایست براساس این دو ملاک، یعنی اصل آزادی و اصل برابری در فرصت‌ها (البته به معنای تناسب) جهت عادلانه بودن یا نبودن سنجیده شوند. دوم: راولز وجهه‌ای اخلاقی‌ای است که به اصول عدالت خودمی بخشد، او تلاش می‌کند خانواده‌ای از ارزش‌های اخلاقی بسیار مهم را بیان کند که به طرز منحصر به فردی به نهادهای سیاسی و اجتماعی ساختار اساسی (جامعه) اشکار می‌شوند و در واقع ارائه کنند. روایتی از ارزش‌ها در تاثیر ویژگی‌های خاص معینی از رابطه سیاسی به صورتی متمایز از دیگر روابط انجمنی،

خانوادگی و شخصی است (راولز، ۱۳۸۳: ۲۲). سوم: راهکار بازتوزیع منابع اولیه اجتماعی است که در یک جامعه می‌تواند تا حدود زیادی موجب پرکردن شکاف‌های اقتصادی گردد و فقر را ساماندهی بدهد.

راولز این نتیجه را می‌گیرد که اصول عادلانه در جوامع در صورتی می‌تواند تبیین شود که این جوامع به شرایطی بی‌طرفانه نزدیک باشد و آن در شرایطی است که نهادهای اجتماعی به چنین بی‌طرفی نزدیک بود که در جوامع دموکراتیک این وضعیت بیش‌تر است. دوشرط را برای جامعه عادلانه قائل است: اولاً وجود آزادی و فرصت‌های برابر برای همه و ثانیاً وجود نابرابری‌های حداقلی موجه را در نظر می‌گیرد. از نگاه راولز اصول عدالت با روش استنتاج عقلی و شهود عقلانی و با روش‌های غایت‌انگارانه چون کمال‌گرایی و نفع‌انگاری که بر تعاریف و تلقی پیشینی از سعادت و خیر بنا نهاده شده‌اند، قابل حصول نیست. شهودگرایی اخلاقی نیز چون بر اصول ثابت عدالت تاکید نمی‌کند، حلال مشکلات نیست. باتوجه به این امور راولز روش قراردادگرایی را برای تشخیص محتوای اصول عدالت پیشنهاد می‌کند (واعظی، ۱۳۸۴: ۹۴).

اصل نخست: اصل اول، هر شخص حق برابر نسبت به گسترده‌ترین آزادی اساسی سازگار با آزادی مشابه دیگران داشته باشد. اصل دوم: نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی به گونه‌ای ساماندهی می‌شود که: الف) انتظار می‌رود به نحو معقول به سودهمگان باشد. ب) وابسته به مناصب و مشاغل باشد که دسترسی به آنها برای همگان امکان‌پذیر است (راولز، ۱۳۷۸: ۱۱۰). منظور از اصل اول این است که آزادی بنیادین به عنوان یک حق کلی باید به گونه‌ای باشد که همه بتوانند به طور برابر از آن بهره‌مند شوند. و منظور از بندالف اصل دوم هم این است که نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی باید به گونه‌ای تنظیم شود که بیش‌ترین منفعت را برای کم بهره‌ترین افراد در برداشته باشد که البته برابری تمام و مطابق را ایجاد نمی‌کند (حسینی، بهشتی، ۱۳۷۸: ۵۰).

در اصول عدالت اجتماعی راولز، اصل آزادی مقدم بر اصل برابری است و این همواره ثابت است. به عبارت دیگر، تحت مفهوم خاص عدالت، خواسته پیشینه کردن ثروت فقیرترین طبقه، فقط در صورتی واقع می‌شود که پیشینه کردن آزادی‌های پایه‌ای برابر و برابری منصفانه فرصت‌ها صورت گرفته باشد (لسناف، ۱۳۸۷، ۳۸۰). در واقع راولز در نظریه عدالت خود این دو معیار را برای سنجش عادلانه بودن یا نبودن نهادهای مختلف جامعه از قبیل، ساختار اجتماعی، نظام سیاسی، قوانین اساسی، سیستم آموزش و پرورش، نحوه مالکیت منابع اقتصادی و ابزار تولید، نظام قضایی و دیگر نهادهای اساسی و مهم جامعه در نظر می‌گیرد (واعظی، ۱۳۶۴: ۱۸).

نمونه‌های مرتبط به عدالت اجتماعی در صحیفه سجادیه (امام سجاد ع)

رعایت حقوق افراد و توزیع منابع عادلانه: «و به تو پناه می‌آوریم، از بدی باطن و ناچیز شمردن گناه کوچک و این که شیطان بر ما چیره شود، یا روزگار ما را به عرصه بلا و نکبت اندازد، یا پادشاه بر ما جور و ستم روا دارد» (صحیفه سجادیه، دعای هشتم).

در این دعا، به بدی باطن، ناچیز شمردن گناه کوچک، تأثیر شیطان و همچنین ظلم و ستم حاکم اشاره شده است. اگر به این دعا از منظر نظریه عدالت اجتماعی راولز نگاه کنیم، می‌توانیم ببینیم که اشاره به ظلم و ستم حاکم نشان از توجه به رعایت حقوق افراد و توزیع منابع عادلانه دارد. این دعا می‌تواند از دیدگاه راولز، برای تأیید اهمیت عدالت اجتماعی و مبارزه با ظلم و ستم در جامعه استفاده شود.

نظریه عدالت اجتماعی جان راولز، به توزیع منابع عادلانه و رعایت حقوق افراد در جامعه تأکید می‌کند (راولز، ۱۳۸۳، ۹۴). این موارد نشان می‌دهد که نظریه عدالت اجتماعی راولز می‌تواند به تحلیل و تفسیر مسائل اجتماعی و نظامی که ظلم و ستم را ترویج می‌کند، کمک کند. بنابراین، می‌توان گفت که این دعا با نظریه عدالت اجتماعی راولز تطابق دارد زیرا به مسائلی مانند توزیع منابع عادلانه و رعایت حقوق افراد توجه می‌کند و نکته‌هایی که در نظریه راولز برای تحقق عدالت اجتماعی مهم است، را برمی‌آورد.

رفع نابرابری: «پس کسی که ترمیم کمبود و شکاف زندگی‌اش را از تو بخواهد و تغییر تهیدستی و فقرش را از تو درخواست کند، محققاً حاجتش را از جایگاه اصلی‌اش خواسته؛ و به دنبال درخواست و خواهشش، از راه صحیح و درستش آمده» (صحیفه سجادیه، دعای سیزدهم). با توجه به این دعا: که درخواست کمک برای ترمیم کمبود و شکاف زندگی و تغییر تهیدستی و فقر، از منظر نظریه عدالت اجتماعی راولز، با مفهوم عدالت اجتماعی سازگار است.

نظریه عدالت اجتماعی راولز، بر اساس اصول تفضیل عادلانه و توزیع منابع عادلانه، به تحقق عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری‌ها در جامعه تأکید می‌کند (راولز، ۱۳۸۳، ۵۴). در این دعا، فردی که از جایگاه اصلی‌اش برای ترمیم کمبود و شکاف زندگی و تغییر تهیدستی و فقر خواسته است، در واقع به دنبال عدالت اجتماعی و رفع نابرابری‌ها در جامعه است. از طرف دیگر، در نظریه عدالت اجتماعی راولز، توجه به نیازهای اساسی زیردستان و تقسیم منابع به گونه‌ای که بیشترین بهره‌وری برای ضعیف‌ترین اعضای جامعه به دست آید، از اصول مهم است (همان: ۹۶). درخواست فردی برای تغییر تهیدستی و فقرش، می‌تواند نشان دهنده نیاز او به تأمین نیازهای اساسی و ایجاد فرصت‌های برابر باشد، که با اصل عدالت اجتماعی راولز سازگار است. بنابراین، می‌توان گفت که این دعا با نظریه

عدالت اجتماعی راولز تطابق دارد و نشان می‌دهد که درخواست ترمیم کمبود و شکاف زندگی و تغییر تهیدستی و فقر، در جستجوی عدالت اجتماعی و رفع نابرابری‌هاست.

فقرزدایی در جامعه: «پروردگارا درود فرست بر محمد و آل او و مرا بدون مشقت و زحمت اکتساب و از آنجا که گمان نمی‌برم روزی عطا فرما تا به اشتغال به کسب روزی از راه عبادت باز نمانم و با رنج و تعبهای طلب رزق را به دوش نکشم» (صحیفه سجاده، دعای بیستم فرازیست چهارم). اشاره به نیازمندی و فقرزدایی در جامعه دارد. میتوان این دعا را با نظریه عدالت اجتماعی جان راولز در ارتباط قرار داد.

با توجه به اصل تفاوت در نظریه راولز، میتوان این دعا را به عنوان یک نشانه برای نیازمندی افراد ضعیف‌تر در جامعه در نظر گرفت. براساس این اصل، اگر تفاوت‌های اجتماعی، مانند فقر و نیازمندی‌ها، به نوعی بهبود وضعیت افراد ضعیف‌تر را به همراه داشته باشد، آنگاه این تفاوت‌ها در حدودی مشروع و عادلانه قابل قبول هستند. همچنین، با توجه به اصل موقعیت اجتماعی عادلانه در نظریه راولز، میتوان این دعا را به عنوان یک نشانه برای نیازمندی به ایجاد ساختارهای اجتماعی عادلانه در جامعه در نظر گرفت. این ساختارها باید برابر فرصت‌ها و شرایط زندگی برای همه افراد قرار دهد و به افراد امکان اشتغال و کسب‌روزی بدون رنج و تعب را بدهد (راولز، ۱۳۸۳، ۱۱۶). به طور خلاصه، تطبیق این دعا با نظریه عدالت اجتماعی جان راولز، نشان می‌دهد که در عین حال، ساختارهای اجتماعی عادلانه و فرصت‌های در جامعه باید به نیازمندی افراد و فقرزدایی توجه کرده است.

رفتار نیکو با فقیران: در دعا آمده است که همنشینی با فقیران به صبر و نیکوی رفتار نسبت به آنان نیاز دارد. این تأکید بر رفتار نیکو و احترام به فقیران و نیازمندان نیز با اصولی همانند رعایت حریم شخصی و انصاف در نظریه عدالت اجتماعی جان راولز سازگار است. در نظریه راولز، احترام به حقوق دیگران و رعایت حریم شخصی آنها از اصول مهمی است که برای تحقق عدالت اجتماعی باید رعایت شود. از این رو، رفتار نیکو با فقیران و نیازمندان می‌تواند با اصل رعایت حریم شخصی و احترام در نظریه راولز همخوانی داشته باشد. ارتباط با خداوند و قدرشناسی: در این دعا ذکر می‌کند که همنشینی با فقیران و نیکوی رفتار با آنان باعث نزدیک شدن به خداوند و قدرشناسی از نعمت‌ها می‌شود. در نظریه عدالت اجتماعی جان راولز، اصولی دارد که هیچ فردی در انتخابات اجتماعی و تقسیم منابع به اندازه‌ای برتری ندارد که برای خودش امتیازهای خاصی را بخواهد. همچنین، در نظریه راولز، اهمیت داده می‌شود که افراد به طور کلی از توانایی‌ها و منابع جامعه بهره‌برداری کنند و به نحوی که بهره‌برداری از منابع نتیجه توانایی‌ها و استعدادها طبیعی باشد (همان: ۱۳۴). از این رو، ارتباط با خداوند و قدرشناسی از نعمت‌ها که در خطبه به آن اشاره شده است، می‌تواند با اصل

و قدردانی از توانایی‌ها و منابع در نظریه راولز همخوانی داشته باشد در نتیجه، باتوجه به این دعا برخی اصول و ارزش‌های مهم در نظریه عدالت اجتماعی جان راولز را بازتاب می‌دهد. همنشینی با فقیران، رفتار نیکو با آنان، ارتباط با خداوند و قدرشناسی از نعمت‌ها از جمله مفاهیمی هستند که در هر دو به عنوان ارزش‌های مهم تلقی می‌شوند.

«ای ذات پاک منزّه (از حد و نقص) گفتار تو (و سخنان در کتب آسمانی) همه حکم تو است و حکم و قضای تو حتمی‌الوقوع و اراده ازلیت عزم جزم است و قطعی الاجراء (و تردید در آن راه نخواهد یافت)» (صحیفه سجادیه، دعای چهل هفتم، فراز بیست و نهم).

تفاوت اساسی بین دعا مذکور و نظریه عدالت اجتماعی راولز در موارد زیر است: مبنای اختیار و قدرت: در این دعا، قدرت و اختیار مطلق به ذات پاک و بی‌نقص تعلق دارد که حاکمیت کامل و قطعی بر هر چیزی دارد. در نظریه راولز، قدرت و اختیار بر اساس اصول عدالتی و توزیع منابع براساس تعدیل منافع عمومی تقسیم می‌شود و مشروعیت آن به اصول عدالت مرتبط است. اصل عدالت: در دعا، عدالت به ذات پاک و نقیصه‌ای تعلق دارد که به طور قطعی و بدون تردید اجرا می‌شود. در نظریه راولز، عدالت به توزیع منابع بر اساس اصل تعدیل منافع عمومی و توجه به نیازهای اساسی اعضای جامعه تعلق دارد و براساس اصول تفکر و راهبرد عدالت سازماندهی می‌شود. محدوده توزیع: دعا به ذات پاک و بی‌نقص اشاره دارد و حاکمیت آن بر همه چیز است. در نظریه راولز، توزیع منابع براساس اصول عدالتی و تعدیل منافع عمومی انجام می‌شود و به تمام اعضای جامعه و نظام اجتماعی اعمال می‌شود. در نظریه عدالت اجتماعی راولز، قدرت و اختیار بر اساس اصول عدالتی و توزیع منابع براساس تعدیل منافع عمومی تقسیم می‌شوند. مبنای عدالت در این نظریه، اصول عدالت و توزیع منابع براساس نیازهای اساسی اعضای جامعه است (راولز، ۱۳۸۳: ۹۴). بنابراین، تفاوت اساسی میان حدیث مذکور و نظریه عدالت اجتماعی راولز در مفهوم قدرت و اختیار، مبنای عدالت، و محدوده توزیع منابع و حاکمیت آنها قرار دارد. حدیث به قدرت و اختیار مطلق خداوند اشاره دارد، در حالی که نظریه راولز قدرت و اختیار را براساس اصول عدالتی و تعدیل منافع عمومی تقسیم می‌کند و به نیازهای اعضای جامعه توجه می‌کند.

نتیجه‌گیری

این جستار به مقایسه این دو دیدگاه امام سجاد(ع) امام چهارم شیعیان که در دوره خفقان از طریق زبان دعا در صحیفه سجادیه اشاراتی به نظریه عدالت اجتماعی داشته است و متفکر معاصر جان راولز که به نظریه عدالت اجتماعی در غرب نظریاتی را ارائه داده است. علی‌رغم این که دواندیشمند به دوحوزه فکری و عقیدتی متفاوت تعلق دارند اما در مبحث عدالت و اهمیت جایگاه عدالت در

ساختار جامعه، از زوایه های متفاوتی به مسایل اجتماعی توجه می کنند. در اندیشه امام سجاد(ع) دیدگاه عمیق تری به عدالت اجتماعی با تاکید به ابعاد اعتقادی، تربیتی و تاثیرات عدالت در زندگی افراد ارائه می دهد، عدالت اجتماعی بر پایه اصول دینی و خداشناسی بنا نهاده می شود. ایشان به توزیع منصفانه ثروت، رفع تبعیض و تبعیض نژادی، ارزش قائل شدن به حقوق بشر و تحقق اخلاق اجتماعی تأکید دارند، این دیدگاه بر مبنای ارزش های اسلامی و تعالیم دینی استوار است. این تحلیل نشان می دهد که هر دو دیدگاه ارزشمندی برای درک و تحلیل مفهوم عدالت اجتماعی ارائه می دهند، اما با توجه به اساس های مختلف، به نتیجه گیری های متفاوتی منتهی می شوند. به طور کلی، مقاله به ما کمک می کند تا درک عمیق تری از دیدگاه های مختلف در زمینه عدالت اجتماعی داشته باشیم و به منظره و بحث فلسفی در این زمینه افزوده شود.

منابع و مآخذ

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۳۷۶). ترجمه تحف العقول، مترجم: کمره ای، محمد باقر، مصحح: غفاری، علی اکبر، چ ۶، تهران: کتابچی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۱۴ق). تحف العقول. محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، چاپ ۲، قم: جامعه مدرسین.
- ارسطو. (۱۳۶۴). اخلاق نیکوماس، جمع آوری و ترجمه رضا مشایخی، تهران: کتاب فروشی دهخدا.
- آرمان مهر، محمدرضا. (۱۳۹۰). رالز حکیمی: بررسی تطبیقی و نقد معیارها و ابعاد عدالت اقتصادی، قم: دلیل ما.
- بشریه، حسین. (۱۳۸۷). تاریخ اندیشه های سیاسی در قرن بیستم: لیبرالیسم و محافظه کاری، چاپ هشتم، تهران: نشر نی.
- جمشیدی، محمدحسین. (۱۳۸۰). نظریه عدالت: از دیدگاه فارابی، امام خمینی، شهید صدر، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- حسینی بهشتی، سیدعلی. (۱۳۷۸). مبانی معرفت شناسی نظریه عدالت اجتماعی، تهران: انتشارات بقیه.
- خمینی (ره)، روح الله. (۱۳۶۹). صحیفه نور، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- دعایی، محمدحسن. (۱۳۸۰). اسوه کامل، تهران: انتشارات اطلاعات.
- دورانت، ویل. (۱۳۷۸). تاریخ تمدن ج ۱، مشرق زمین گاهواره تمدن، ترجمه: جمعی از مترجمین، تهران.

- راولز، جان. (۱۳۸۳). **نظریه عدالت به مثابه انصاف**، ترجمه عرفان ثابتی، چاپ اول، تهران: انتشارات ققنوس.
- راولز، جان. (۱۳۷۸). **نظریه عدالت**، ترجمه سید محمد کمال سروریان و مرتضی بحرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ریمر، جان. (۱۳۸۲). **برابری فرصت‌ها**، ترجمه محمد خضری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سید رضی. (۱۳۸۴). **نهج البلاغه**، ترجمه: محمد دشتی، قم: پارسایان.
- شهیدی، جعفر. (۱۳۸۶). **زندگی علی بن الحسین**، چاپ ۱۵، بی‌جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- شهیدی، سید جعفر. (۱۳۶۶). **زندگانی علی بن الحسین**، بی‌جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- عالم، عبدالرحمان. (۱۳۷۶). **تاریخ فلسفه سیاسی غرب**، ج ۱ و ۲، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- فاستر، مایکل و دیگران. (۱۳۶۲). **خداوندان اندیشه سیاسی ج ۱**، ترجمه جواد شیخ الاسلامی و...، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فرهنگ لغت لانگمن. (۲۰۰۰).
- قائمی، علی. (بی‌تا). **در مکتب پیشوای سجادین امام علی بن الحسین**، قم: انتشارات امیری.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۹). **مجموعه مقالات گامی به سوی عدالت**، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لسناف، مایکل. ایچ. (۱۳۸۷). **فیلسوفان سیاسی قرن بیستم**، ترجمه خشایار دیهیمی، چاپ دوم، تهران: نشر ماهی.
- مسعودی، ابن الحسن علی بن الحسین. (بی‌تا). **التبیه والاشراف**، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، القاهرة: دار الصاوی.
- مطهری، مرتضی. (بی‌تا). **پیرامون جمهوری اسلامی**، تهران: صدرا.
- معین، محمد. (۱۳۸۶). **فرهنگ فارسی معین**، تهران: اشجع.
- واعظی، احمد. (۱۳۸۴). **از نظریه عدالت تا لیبرالیسم سیاسی**، قم: بوستان کتاب.
- واعظی، احمد. (۱۳۸۸). **نقد و بررسی نظریه‌های عدالت**، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- واقدی، محمد بن سعد. (۱۳۷۴). **الطبقات الکبری**، ترجمه محمود دامغانی، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.